**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه233– 21 /11/ 1398 بررسی وثاقت محمد بن حکیم /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مورد محمد بن حُکیم بود. در فهرست شیخ طوسی دو ترجمه با عنوان محمد بن حُکیم آمده است:

«[648] محمّد [بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد، عن الحسن بن محبوب، عن محمّد بن حكيم»[[1]](#footnote-1)

[681] [محمّد بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم، له كتاب.

[682] [محمّد بن إسحاق‏]

محمّد بن إسحاق بن عمّار، له كتاب، رويناها بهذا الإسناد، عن حميد، عن القاسم بن إسماعيل، عنهم.[[2]](#footnote-2)

مرحوم آقای خویی این دو عنوان را یک نفر می داند؛ اما استدلال روشنی بر این مدعا ندارد.

در جلسه‌ی گذشته استدلالی بر تعدد این دو عنوان ذکر کردیم به این صورت که راوی یکی از این دو عنوان حسن بن محبوب است که متوفای 224 می باشد و راوی عنوان دوم قاسم بن اسماعیل است که تقریبا متوفای 260 می باشد؛ در نتیجه این دو عنوان در یک طبقه نیستند و امکان اتحاد این دو عنوان وجود ندارد.

# اشکال به استدلال بر تعدد دو عنوان محمد بن حُکیم

اختلاف طبقه ای که برای محمد بن حُکیم در دو عنوان تصویر شد، صحیح نیست؛ زیرا در فهرست شیخ طوسی افراد زیادی ذکر شده اند که در طریق به آن ها حُمید بن زیاد واقع شده است، این افرادی که حُمید در طریق به آن ها وجود دارد، به دو نحو می باشند:

1. بعضی از این افراد مشایخ حُمید می باشند، مثل حسن بن محمد بن سماعه
2. سایر افرادی که حُمید در طریق به آن ها وجود دارد، در همه‌ی این افراد حُمید با یک واسطه از آن ها نقل می کند و حال آن که این افراد در طبقات مختلف هستند؛ مثلا یکی از این افراد جابر بن یزید جعفی ( متوفای 130) است که حُمید ( متوفای 310) با یک واسطه از او نقل می کند که چنین چیزی امکان ندارد.

شواهد نشان می دهد که اسناد حُمید بن زیاد که به نحو دوم در فهرست شیخ قرار دارند، برای تعیین طبقه‌ی صاحب ترجمه ها فایده ای ندارد.

در عنوان دومِ محمد بن حُکیم، حُمید بن زیاد به نحو دوم ( نقل با یک واسطه) در طریق به محمد بن حُکیم وجود دارد:

«... عن حُميد عن القاسم بن إسماعيل عن محمد بن حُکیم»

در نتیجه در این عنوان از محمد بن حُکیم به خاطر وجود حُمید بن زیاد در طریق به او نمی توان طبقه‌ی محمد بن حُکیم را تعیین کرد.

شاهد این مطلب این است که در این موارد در رجال نجاشی حُمید از این افراد با بیش از یک واسطه نقل کرده است یا در اسناد روایات، حُمید از این افراد با بیش از یک واسطه نقل می کند و حال آن که در فهرست شیخ طوسی حُمید از همه‌ی این افراد با یک واسطه نقل می کند.

حال باید مواردی را که در فهرست، حُمید بن زیاد به نحو دوم در طریق به صاحب ترجمه وجود دارد، بررسی کنیم و اشکال موجود در این موارد را کشف کنیم.

با بررسی این موارد مشخص می شود در همه‌ی این موارد واسطه ای که بین حُمید و صاحب ترجمه وجود دارد، آن واسطه، شیخ و استادِ حُمید می باشد و اشکال موجود در شیخِ حُمید تا صاحب ترجمه است که ظاهرا حذف شده است؛ در نتیجه محمد بن حکیم شیخ بی واسطه‌ی قاسم بن اسماعیل نیست که بتوان طبقه‌ی محمد بن حکیم را از طریق قاسم بن اسماعیل تعیین کرد.

برای کشف مشکل باید منبع شیخ طوسی در فهرست را مشخص کنیم.

افرادی مثل ابن بطه و حُمید بن زیاد صاحب فهرست بوده اند و با بررسی فهرست شیخ طوسی مشخص می شود که فهرست ابن بطه و حُمید بن زیاد از منابع شیخ طوسی می باشند.

برای مثال از رقم 635 تا رقم 648 همه‌ی طرق تا ابن بطه مشترک است و از ابن بطه به بعد متفاوت می شوند.

[635] محمّد [بن يحيى‏]

محمّد بن يحيى الصيرفي، له كتاب، أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل عن أبي جعفر ابن بطّة عن أحمد ابن أبي عبد اللّه عن أبيه عن محمّد بن يحيى الصيرفي.

[636] محمّد [بن علي‏]

محمّد بن علي المقري القرشي، له مصنفات، رويناها بالإسناد الأوّل عن ابن بطّة عن أبي عبد اللّه محمّد بن أبي القاسم عنه.

[637] محمّد [بن الوليد]

محمّد بن الوليد الخزّاز، له كتاب، رويناه بالإسناد الأوّل عن ابن بطّة عن الصفّار عنه.

[638] محمّد [بن حمران‏]

محمّد بن حمران بن أعين، له كتاب، أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل عن ابن بطّة عن أحمد بن محمّد ابن عيسى عن ابن أبي عمير و ابن أبي نجران جميعا عن محمّد بن حمران.

[639] محمّد [بن عذافر]

محمّد بن عذافر، له كتاب، رويناه بالإسناد الأوّل عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن محمّد ابن إسماعيل بن بزيع عنه.

[640] محمّد [بن خالد]

محمّد بن خالد البرقي، له كتاب النوادر، رويناه بهذا الإسناد عن أحمد بن محمّد بن عيسى و أحمد بن أبي عبد اللّه جميعا عن محمّد بن خالد و كنيته أبو عبد اللّه.

[641] محمّد [بن علي‏]

محمّد بن علي الطلحي، له مسائل، رويناها بهذا الإسناد عن أحمد بن محمّد بن عيسى عنه.

[642] محمّد [بن أبي حمزة]

محمّد بن أبي حمزة، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن محمّد بن أبي حمزة.

[643] محمّد [بن يحيى‏]

محمّد بن يحيى الخثعمي، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن ابن أبي عمير عن محمّد بن يحيى.

[644] محمّد [بن ميسّر]

محمّد بن ميسّر، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد، عن ابن أبي عمير، عن محمّد بن ميسّر.

[645] محمّد [بن قيس‏]

محمّد بن قيس، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن ابن أبي عمير عن محمّد بن قيس.

[646] محمّد [بن إسحاق‏]

محمّد بن إسحاق بن عمّار، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن صفوان بن يحيى عنه.

 [647] محمّد [بن مارد]

محمّد بن مارد، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن ابن أبي عمير عن الحسن بن محبوب عنه.

[648] محمّد [بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن الحسن بن محبوب عن محمّد بن حكيم.[[3]](#footnote-3)

همچنین از رقم 665 تا رقم 689 در طریق همه‌ی آن ها حُمید وجود دارد:

[665] محمّد [بن منصور]

محمّد بن منصور بن يونس بزرج، له كتاب، أخبرنا جماعة عن أبي المفضّل عن حميد عن محمّد بن الحسين الصائغ في بني ذهل‏ عن محمّد بن منصور.

[666] محمّد [بن الحسين‏]

محمّد بن الحسين الصائغ، له نوادر، رويناها بهذا الإسناد عن حميد عن محمّد بن الحسين و مات الصائغ سنة تسع و ستّين و مائتين.

[667] محمّد [بن شريح‏]

محمّد بن شريح، له كتاب، رويناه بهذا الإسناد عن حميد عن ابن سماعة عنه.

[668] محمّد [بن خليل‏]

محمّد بن خليل بن راشد النخعي، له نوادر رويناها بهذا الإسناد عن حميد عنه.

[669] محمّد [بن نافع‏]

محمّد بن نافع، له نوادر رويناها بهذا الإسناد عن حميد عن محمّد بن نافع.

 [670] محمّد [بن إسماعيل‏]

محمّد بن إسماعيل الجعفري‏، له كتاب رويناه بهذا الإسناد عن حميد عن عبد اللّه‏ ابن أحمد بن نهيك عن‏ أبي العبّاس عنه.

[671] محمّد [بن شريح‏]

محمّد بن شريح، له كتاب رويناه بهذا الإسناد عن ابن نهيك عنه.

[672] محمّد [بن بشير]

محمّد بن بشير له كتاب و[[4]](#footnote-4)

 [673] [محمّد بن عصام‏]

محمّد بن عصام‏ له كتاب رويناهما (بهذا الإسناد) عن حميد عن أبي جعفر محمّد بن أحمد بن رجاء البجلي عنهما و مات ابن رجاء سنة ست و ستّين و مائتين.

[674] محمّد [بن عبد الملك‏]

محمّد بن عبد الملك‏ المكّي له نوادر رويناها بهذا الإسناد [عن حميد، عن أحمد بن ميثم، عنه‏].

[675] محمّد [بن القاسم‏]

محمّد بن القاسم بن المثنّى له كتاب رويناه بهذا الإسناد عن حميد عن أحمد بن ميثم عنه.

[676] [محمّد بن بكر]

محمّد بن بكر له روايات

[677] [محمّد بن حمّاد]

محمّد بن حمّاد له روايات

 [678] [محمّد بن عبّاس‏]

محمّد بن عبّاس له روايات.

[679] [محمّد بن العبّاس‏]

محمّد بن العبّاس بن مرزوق‏ له روايات رويناها بهذا الإسناد عن حميد عن أحمد بن ميثم عنهم.

[680] [محمّد بن مسعود]

محمّد بن مسعود له كتاب.

[681] [محمّد بن حكيم‏]

محمّد بن حكيم له كتاب.

[682] [محمّد بن إسحاق‏]

محمّد بن إسحاق بن عمّار له كتاب رويناها بهذا الإسناد، عن حميد، عن القاسم بن إسماعيل، عنهم.

[683] [محمّد بن فضيل‏]

محمّد بن فضيل له كتاب.

[684] [محمّد بن رايد]

محمّد بن رائد الخزاز له كتاب رويناهما عن حميد بالإسناد الأوّل عن الحسن‏ بن علي اللؤلؤي الشعيري عنهما.

 [685] [محمّد بن أبي عبد اللّه‏]

محمّد بن أبي عبد اللّه له كتاب.

[686] [محمّد بن علي‏]

محمّد بن علي الصيرفي له كتاب.

[687] [محمّد بن بكر]

محمّد بن بكر الازدي له كتاب.

[688] [محمّد بن مروان‏]

محمّد بن مروان له كتاب‏.

 [689] [محمّد بن الصباح‏]

محمّد بن الصباح له روايات رويناها كلّها بهذا الإسناد عن حميد عن أبي إسحاق إبراهيم بن سليمان‏ بن حيان‏ الخزّاز عنهم.[[5]](#footnote-5)

این که حُمید یا ابن بطه پی در پی در ترجمه‌ی افرادی آمده است، اتفاقی نیست؛ بلکه نشان دهنده‌ی این است که فهرست ابن بطه و حُمید بن زیاد از منابع شیخ طوسی بوده است، اما اطلاعاتی که در فهرست حُمید بن زیاد می باشد با آن چه که در فهرست شیخ طوسی می باشد، متفاوت است. در فهرست شیخ طوسی بین حُمید و صاحب ترجمه حداکثر یک واسطه وجود دارد، اما در مواردی که نجاشی از فهرست حُمید بن زیاد نقل کرده است الزاما بین حُمید و صاحب ترجمه یک واسطه نیست و گاهی واسطه ها بیش از یک نفر می باشند.

# منشا تفاوت فهرست شیخ با منبع اصلی ( فهرست حُمید بن زیاد)

به نظر می رسد فهرست حُمید بن زیاد در اختیار شیخ طوسی نبوده است و فهرستِ فهرست حُمید در اختیار شیخ بوده است؛ یعنی حُمید بن زیاد علاوه بر فهرست مفصلی که داشته، یک فهرستی بر فهرست مفصلش هم داشته است که در آن مثلا بیان کرده است که این پنجاه کتاب را از طریق این استاد نقل می کنم، این سی کتاب را از طریق این استاد نقل می کنم و ...، در واقع کل کتاب هایی را که از طریق یک استاد نقل می کند جدا کرده است و به ترتیب آورده است؛ یعنی فهرستی است که بر اساس مشایخ حُمید مرتب شده است اما در مقام بیان طرق تفصیلی نمی باشد، بلکه در مقام بیان این است که این کتاب ها را استادش ( چه مستقیم و چه با واسطه) روایت کرده است و این فهرست بر فهرست در اختیار شیخ بوده است که بر اساس مشایخ مرتب شده است و با مراجعه به ترجمه‌ی افرادی که در فهرست شیخ در طریق آن ها حُمید واقع شده است این مطلب روشن می شود.

یکی از منابع شیخ طوسی، رجال برقی می باشد که ترتیب الفبایی ندارد. کتاب شیخ ترتیب الفبایی دارد؛ یعنی شیخ موارد الف اصحاب الکاظم علیه السلام رجال برقی را جدا کرده و در باب الف آورده است و همین طور سایر حروف را در باب خودش آورده است.

با مقایسه‌ی کتاب شیخ و برقی ملاحظه می شود که برخی از موارد ترتیب یکسانی دارند.

فهرست حُمید هم ممکن است ترتیبی نداشته باشد و شیخ موارد الف را در باب الف آورده و همین طور سایر حروف را جدا کرده و در باب خودش آورده است.

# اتحاد دو عنوان محمد بن حُکیم

این که دو نفر با نام محمد بن حُکیم، صاحب کتاب باشند و در فهرست شیخ هیچ مشخصه ای برای این دو ذکر نشده باشد خیلی بعید است و شاهد آن هم این است که:

1. نجاشی فقط یک صاحب کتاب به عنوان محمد بن حُکیم ذکر کرده است.
2. اگر دو نفر هستند، چرا شیخ طوسی مشخصه ای که این دو نفر را تمییز دهد، ذکر نکرده است؟!
3. ذکر محمد بن حُکیم به صورت مطلق به خاطر اشتهارش بوده است و به بیان مشخصه نیازی نداشته است. اگر مشهور نبود و دو نفر با این عنوان بودند باید مشخصه ای برای این دو ذکر می شد.

در نتیجه محمد بن حُکیم یک نفر است و عنوان اولی که در فهرست آمده است در ردیف کسانی است که از فهرست ابن بطه نقل شده است و دومی از مواردی است که از فهرست حمید بن زیاد اخذ شده است.

شیخ طوسی به فهرست ابن بطه مراجعه کرده است و محمد بن حُکیم را ذکر کرده است سپس به فهرست حُمید مراجعه کرده است و محمد بن حُکیم را از آن جا هم ذکر کرده است و متوجه نشده است این دو یک نفر هستند یا فراموش کرده قبلا محمد بن حُکیم را ذکر کرده است؛ به همین دلیل نام او را دوباره ذکر کرده است.

ظاهرا محمد بن حُکیم مطلق همان محمد بن حُکیم خثعمی است که نجاشی معرفی کرده است؛ زیرا بعید است نجاشی صاحب کتاب را شخصی بداند و شیخ طوسی صاحب کتاب را شخص دیگری با همان عنوان بداند و مشخصه ای هم برای آن ذکر نکند. عدم ذکر مشخصه بیان گر این است که شیخ طوسی اشتهار او را در نظر گرفته است که مشخصه ای برای او ذکر نکرده است.

# عدم وجود محمد بن حُکیم ساباطی

صاحب قاموس الرجال شواهدی را ذکر می کند که محمد بن حُکیم ساباطی وجود خارجی ندارد. به خاطر اشتباهاتی این طور تصور شده است که محمد بن حُکیم برادر مرازم بن حُکیم می باشد.

در رجال نجاشی در ترجمه‌ی مرازم چنین آمده است:

1138 مرازم بن حكيم الأزدي المدائني،

مولى، ثقة و أخواه محمد بن حكيم و حديد بن حكيم، يكنى أبا محمد. روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام، و مات في أيام الرضا عليه السلام، و هو أحد من بلى باستدعاء الرشيد له و أخوه أحضرهما الرشيد مع عبد الحميد بن عواض فقتله و سلما، و لهم حديث ليس هذا موضعه. له كتاب يرويه جماعة قال أبو عبد الله بن عياش: حدثنا محمد بن أحمد بن مصقلة قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد، عن مرازم بكتابه.[[6]](#footnote-6)

داستان مرازم، محمد بن حُکیم و عبدالحمید در الثاقب فی المناقب آمده است:

عن مرازم، قال: حضرت باب الرشيد أنا و عبد الحميد الطائي و محمّد بن حكيم و أدخل عبد الحميد فما لبثنا أن طرح برأسه وحده فتغيرت ألواننا و قلنا: قد وقع الأمر.

فلمّا دخلت عليه وجدته‏ مغضبا و السياف قائم بين يديه و بيده سيف مصلت و رأيت خلفه علويا فعلمت أنّه قد فعل بنا ذلك، فقلت: اتق اللّه يا أمير المؤمنين في دمي فإنّه لا يحل لك إلّا بحجّة و لا تسمع فينا قول هذا الفاسق.

فقال العلوي: أتفسقني و قد كنت بالمدينة تلقمني الفالوذج بيدك محبّة لي؟ فقال الرشيد بحيث لم يسمع هو: إذا عرفت حقّه. فقلت: يا أمير المؤمنين، أنشدك اللّه إلّا قلت لهذا: ألست كنت أبيع دارا بالمدينة لي فطلب منّي أن أبيعها منه ثمّ إنه استشفع في ذلك بموسى بن جعفر عليه السلام فما قبلت و لا شفّعته فيه و بعته من غيره؟ فسأله: أكذلك؟ قال: نعم. فقال: قم قبحك اللّه تقول إنّه يقول بربوبية موسى بن جعفر عليهما السلام ثمّ تقول إنّه لم يقبل شفاعته في بيع دار منّي؟!

ثمّ أقبل عليّ و قال: ارجع راشدا فخرجت و أخذت بيد صاحبي و قلت: امض فقد خلّصنا اللّه تعالى و رحم اللّه عبد الحميد و حكيت له ما جرى فقال لي: و ما منعك من قبول شفاعة أبي الحسن عليه السلام؟ فقلت له: هو أمرني بذلك و قال لي: «إن استشفع بي إليك فلا تقبل شفاعتي».[[7]](#footnote-7)

در این داستان مرازم، محمد بن حُکیم را برادر تعبیر نمی کند و در انتها هم می گوید: فخرجت و أخذت بيد صاحبي و نمی گوید: بید اخی؛ محمد بن حُکیم هم از داستان بین او و موسی بن جعفر علیه السلام بی خبر بوده است؛ در نتیجه محمد بن حُکیم و مرازم ظاهرا برادر نبوده اند.

جعفر بن محمد بن حُکیم که پسر محمد بن حُکیم خثعمی می باشد، از مرازم روایت نقل می کند.

به نظر می رسد محمد بن حُکیم و مرازم با یکدیگر رفیق بوده اند و نام پدر هر دو حُکیم بوده است، همین امر سبب شده گمان شود این دو با هم برادر می باشند و همچنین تصور شده این محمد بن حُکیم، محمد بن حُکیم ساباطی است.

در حالی که محمد بن حُکیم، محمد بن حُکیم خثعمی است و هیچ شاهدی بر این که محمد بن حُکیم ساباطی ازدی داشته باشیم، وجود ندارد بلکه شواهد بر خلاف آن وجود دارد.

1. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص227.](http://lib.eshia.ir/14010/1/227/647) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص232.](http://lib.eshia.ir/14010/1/232/680) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الفهرست، الشیخ الطوسی، ص 226](http://lib.eshia.ir/14010/1/226/%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%8A%D8%B1%D9%81%D9%8A) [↑](#footnote-ref-3)
4. در منبع همین طور است و ادامه ندارد. [↑](#footnote-ref-4)
5. [الفهرست، الشیخ الطوسی، ص 230](http://lib.eshia.ir/14010/1/230/%D8%A8%D8%B2%D8%B1%D8%AC) [↑](#footnote-ref-5)
6. [رجال النجاشی، ص 424](http://lib.eshia.ir/14028/1/424/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الثاقب فی المناقب، ابن حمزة الطوسی، ج 1، ص 453](http://lib.eshia.ir/15047/1/453/%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A7%D8%A6%DB%8C) [↑](#footnote-ref-7)